

شرق

روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۵ مرداد ۱۴۰۰ • ۱۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۲ • ۲۷ جولای ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۴۰۶۰ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۳
اذان صبح فردا ۴:۳۱ • طلوع آفتاب ۶:۰۹

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

نور نوشت



صاف و ساده

سانسور در وقت اضافه

برای مثال، شبکه‌های صداوسیما، ساز موسیقی را نشان نمی‌دهند. این کار بر اساس کدام قانون و مقررات انجام می‌شود؟ آیا استفاده از ساز موسیقی ممنوع است؟ آیا نواختن ساز ایراد قانونی دارد؟ کدام قانون به صداوسیما اجازه می‌دهد خودسرانه مقررات بی‌منطق و من‌درآوردی وضع کند؟ در یکی از بندهای دستورالعمل ساترا در فعالیت انتخاباتی که برای رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر لازم‌الاجراست، آمده انجام نظرسنجی درباره اصل شرکت در انتخابات ممنوع است! یعنی شما در نظرسنجی نمی‌توانید سؤال کنید که آیا در انتخابات شرکت می‌کنید یا نه؟ واقعا این ممنوعیت با کدام منطق تنظیم شده و چرا باید تولیدکننده محتوا آن را رعایت کند؟

تجربه تاریخ معاصر جهان نشان می‌دهد آن نظام‌های حکمرانی که دنبال کنترل فرهنگ و هنر و محدودسازی بوده‌اند، حاصلی جز تضعیف فرهنگی و آزردن و فراری‌دادن استعدادها و نخبران هنری کشورشان به دست نیاروند. ما از اول انقلاب، شوربختانه الگوی کنترلی‌مان را بر اساس رویه دولت‌های سوسیالیستی بنا کردیم؛ بدترین الگوی نظام کنترلی که بخش مهمی از دلایل فروپاشی



بلوک شرق، مربوط به محدودسازی‌های گسترده و بی‌منطق و ناراضی‌کردن نخبران فرهنگی جامعه بوده است. در نظام‌های سرمایه‌داری، بنیادهای فرهنگی، وظیفه ترویج و بسط ارزش‌های غربی را عهده‌دار هستند و این کار را به شکل نرم و به بهترین وجه ممکن انجام می‌دهند. آنها به جای سانسور، فعالانه کاری می‌کنند که در عین آزادی انتشار برای همه سلیق و اندیشه‌ها، آثار مغایر با ارزش‌های غالب، مجال ویرال‌شدن نمی‌یابند و این کار در طول دهه‌ها سال، با ظرافت تمام با موفقیت تداوم یافته است. رویکرد ما در کنترل فرهنگی، انفعالی است.



قادر باستانی پژوهشگر ارتباطات و رسانه

جبر فناوری، گرچه سانسور را بی‌معنی کرده و دوران آن به سر آمده، اما هنوز وسوسه آن، دست‌بردارمان نیست. ساترا، لایب باید آخرین تقلا برای برقرارماندن نظام کسب مجوز و حفظ محدودیت‌ها باشد. صداوسیما، سازمان فره و ناکارآمدی است که در رقابت با محتواهای فراگیر فارسی، مخاطب را باخته و بازی را واگذار کرده و اکنون می‌خواهد با ساترا هم برای پرسنل خود کار بترشد و هم بتواند دست و پای رقیب حرفه‌ای‌اش، تولیدکنندگان محتوای صوت و تصویر را ببندد. عمق ماجرای ساترا، ارشاد و انحصار صداوسیما و نیز نقش تأمین مالی بنگاه‌های تجاری پشتیبان فیلمو، نماوا، آپارات و... در این امر، جای بحث دارد. ولی اصل حرقم این است که حذف و محدودسازی رقیب، به‌جای رقابت منصفانه، مخاطب از دست‌رفته را برنمی‌گرداند.

مخاطب ایرانی‌به مدد فناوری، به انواع محتواهای هنری در دنیا، به‌راحتی آب‌خوردن دسترسی کامل دارد و هیچ محدودیتی را برنمی‌تابد. پس چرا توش و ت‌وان سیاست‌گذاران و متولیان فرهنگی، به ایجاد انحصار و توسعه مقررات کسب مجوز و محدودسازی‌ها خلاصه می‌شود و کار دیگری نمی‌کنند؟ ساترا و هر ارگان دیگری که کار ممیزی و سانسور آثار هنری می‌کند، خواسته و ناخواسته، جوانان را به سمت آثار غیرایرانی سوق می‌دهد. در چهار دهه گذشته، سانسور دولتی در بخش فرهنگ، چه تأثیر مثبتی داشته و آیا اهداف نظام را برآورده کرده است؟ شاید برای تهیه‌کنندگان سینمایی، موهبتی است که ساترا با یک محتوا دچار مشکل شود و مانع انتشارش باشد. این بزرگ‌ترین تبلیغ برای آن محتوا خواهد بود؛ چون مقررات، غالباً سلیقه‌ای و فاقد منطق درست است.

ملاک‌های حاکمیت برای تولید آثار هنری، نمی‌تواند چندپاره باشد. صداوسیما برای خود چارچوب درست کند، وزارت ارشاد سلیقه خود را داشته باشد و ارکان حکومتی دیگر هم حسب مورد برای خودشان متر و میاس ارزیابی و کنترل بسازند؛

دغدغه‌های طبیعیانه

این درد مشترک

آبی برای کشاورزی و آبی برای احشام و دام‌ها. یعنی بنویسیم از اینکه در سرزمینی چنین غنی نیاز اولیه بشر نیز برآورده نمی‌شود. هیچ‌گاه باور نمی‌کردم خوزستان به چنین روزگاری ببقند و بی‌آبی و بی‌رقمی و خشک‌سالی چنان نفس سیستان و بولجستان را بگیرد که دیگر از هیچ رستمی نیز کاری برنیاید. چه کار می‌توان کرد؟ همه می‌گویند اگر ما وضعیت تورا داشتیم، از ایران می‌رفتیم. راست می‌گویند. حالا که اطراف خود را نگاه می‌کنم می‌بینم تمام دوستانم رفته‌اند. اما من کجا بروم؟ اصلاً چرا باید بروم؟ مگر اینجا سرزمین من نیست؟ مگر این خاک حق من نیست؟ چرا در ۴۳ سالگی بخواهم راهی جایی دیگر بشوم که اصلاً ندانم چه چیزی در انتظارم هست. مگر قرار است چقدر زندگی کنم؟ فرضاً هم بروم آن وقت جواب دانشجویانم را چه بدهم؟ مگر قرار نبود در راهروهای دانشگاه و بیمارستان به آنها درس بدهم و هرآنچه خود آموخته‌ام به آنها نیز یاد دهم. آن‌قدر یاد دهم که آنها همه بهتر از من شوند. این آرزوها را به کجا ببرم؟ جواب بیمارانم را چه بدهم؟ بیمارانی که هر روز می‌آیند تا کمی با من صحبت کنند. انکار آرامشان همین چند کلمه صحبت با من است. آنها چه می‌شوند؟ با عذاب رهاکردن آنها چه کنم؟ چه



عبدالرضا ناصر مقدسی متخصص مغز و اعصاب

درد بد است؛ از هر نوعی که می‌خواهد باشد. درد نابودکننده زندگی است. کسی که درد می‌کشد، کسی که زخمی است، نمی‌تواند درست زندگی کند. نمی‌تواند زندگی‌اش لذت‌بخش باشد. سال ۷۵ بود که من جوانی ۱۸ساله راهی دانشگاه علوم پزشکی شیراز شدم. آن سال‌ها برای تمام هم‌نسلان من بهترین سال‌ها بود. دوم خرداد ۱۳۷۶ هیچ‌کس باور نمی‌کرد که سیدمحمد خاتمی با آن رأی بالا رئیس‌جمهور شود. فضای آزاد پر از سخنرانی و جلسه و کرد‌همایی. آن روزها چنان امید در تن و جانم بود که هیچ‌گاه فکر نمی‌کردم روزی برسد که بخواهم چنین یادداستی سراسر یاس و ناامیدی بنویسم؛ یادداستی که سراسر رنج و درد باشد. نه درد و رنج آزادی، نه درد و رنج فرهنگی و حتی نه رنج و درد زدن واکسن در دورانی که کرونا بیاد می‌کند و اورژانس بیمارستان‌ها پر است، بلکه رنج و درد نداشتن آب. آبی برای نوشیدن،

یادبود

بنیان‌گذار پروژه تاریخ شفاهی ایران در گذشت



حبیب لاجوردی، بنیان‌گذار و مدیر پروژه تاریخ شفاهی ایران در سال ۱۳۵۹ به پیشنهاد یکی از استادان دانشگاه هاروارد پایه‌گذاری کرد. این پروژه در شهریور ۱۳۶۰ در مرکز مطالعات خاورمیانه این دانشگاه حالت اجرایی به خود گرفت. در پروژه تاریخ شفاهی ایران با ۱۳۴ نفر از بازیگران و ناظران سیاست ایران از آغاز قرن چهاردهم تا انقلاب اسلامی مصاحبه شده است. این پروژه یکی از منابع مهم تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود.

حبیب لاجوردی، بنیان‌گذار و مدیر پروژه تاریخ شفاهی ایران در مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد در شهر واشنگتن آمریکا درگذشت. او در سال ۱۳۱۷ در هاروارد کارشناسی را در دانشگاه ییل، کارشناسی ارشد را در دانشگاه هاروارد و دکترای اقتصاد را در دانشگاه آکسفورد به دست آورد. در سال ۱۳۴۲ به ایران بازگشت و به‌عنوان یکی از مدیران گروه صنعتی بهشهر مشغول به کار شد. لاجوردی بعد

واکنش

بیانیه‌ای با ۱۲۰ امضا

دللوی تشنگی خوزستان را بشنوید

آینده به فکر بازسازی فردایمان باشیم و ما چه می‌دانیم بر او چه رفت. بر او که گولوله را و توپ و بمب را بر سر بام و در و دیوار و جان خود تاب آورد تا زنده بماند ایران. دللوه‌ها یا تهویه‌ها مادران خوزستان را چگونه تاب آوریم امروز که نه برای زندگی و بقای وطن که برای لبان تشنه فرزندان همان قومی بر زبان و کلام مادران زمینی جاری است که امروز را مدیون پایداری آنانیم. طوره‌های موسیقی عربی عشایر خوزستانی را چگونه می‌توانیم تاب آوریم آن زمان که این مردان و زنانی که هیچ از دولت و ملت نخواهند جز پایداری‌شان به یک ملت و دولتی برابر با احترام به انسان بدون تبعیض. سال‌هاست موسیقی‌دانان خوزستان طوره‌های متنوع «صنع بالسحر» و طور علوانیه که علوان‌الشونع موسیقی‌دان عرب ایرانی آن را پرداخت، خوانند و با ربابه و کلن نواختند. خوانند از سوز و راز و نیازشان اما ما نشنیدیم.

گفتم از ساز گلن که با پیت‌حلبی ایرانول ساخته شد به‌جای ربابه. سازی که پس از شکستن سازشان ربابه، ساختندش تا بنوازند اطوار عربی را که ایرانی بودند از اعماق روح و کالبد اقوام ایران بزرگ با اقوام بسار.

امروز اگر ما هنرمندان امضا می‌کنیم بیانیه‌ای را در همستگی با این قوم کهن، حداقل توقع از رسانه‌ها که گاه ادعای مستقل‌بودن دارند، انتشار این همستگی است که این هم عملی نشد در هنگامه سخت این عزیزان.

پیش از هزار و ۲۰۰ هنرمند موسیقی و سینما و تجسمی در کمتر از سه روز بیانیه‌ای را امضا کردند که اگر مجال بود به ۱۲۰ هزار می‌رسید امضای حمایت؛ اما برخی از بازتابش سر باز زدند یا شاید ا داشتند؛ چراکه



علی مغاز های

خوزستان درگیر تشنگی شده است و هم‌میهنان ما به‌جای نگرانی از آینده خود و فرزندان‌شان، گرفتار بدبختی‌ترین حق اولیه خود شده‌اند که آب است. هم‌وطنانی که نه برای آب که برای بقا و زنده‌ماندن فریاد برمی‌آورند. شاید اکثریت جامعه امروز به این نکته توجه نداشته باشند که این هم‌وطنان ساکنان مرزهایی از کشورند که نه‌تنها غذا بلکه حیات انسان ایرانی بر محور وجود جغرافیای طبیعی اینان زنده است. شاید متوجه نباشیم که این منطقه میراث‌دار رگ حیاتی ما ایرانیان است. شاید ما نتوانیم درک کنیم شرایط امروز را که وامدار دیروز تاریخ زیست‌بوم‌مان است. شاید توجه نداشته باشیم که تمدن ایران از زمان سلجوقیان واپس‌روی خود را از روزگار شکوفایی و بالندگی خود تجربه و زیست می‌کرد تا زمانی که جهان به اهمیت انرژی پی برد. شاید ندانیم این انرژی حیاتی جوامع مدرن وابسته به خاک است. خاکی که میلیون‌ها سال ماده‌ای را در خود تیلور بخشد به نام نفت که امروز ما به شدیدترین نحو ممکن وابسته به آیم و شاید نتوانیم درک کنیم که امروز را اگر هستیم، مدیون چه نعمتی هستیم و چه تاوانی بخشی از سرزمین امروزمان برای بقای ایران پرداخته است. دیار خوزستان که همچون مادری که برای فرزند خود شیر جانش را روان می‌کند، خون و شیر حیات و تداوم زندگی به کام این ملت روان کرد، همچون مادر هیچ توقعی نداشت جز سهمی برای زنده‌ماندن.

سال‌ها در جنگ دوام آورد تا ما در جهان رزق‌یابا

اتفاق



سی‌ان‌ان: آنتونی فائوچی مدیر مؤسسه ملی بیماری‌های عفونی و آلرژی در آمریکا می‌گوید ما درباره بیماری کووید-۱۹ در مسیر اشتباه حرکت می‌کنیم. مشاور جو بایدن معتقد است ایالات متحده «در مسیر اشتباه» پیش می‌رود؛ زیرا تعداد موارد کووید-۱۹ به‌ویژه در میان آمریکایی‌های واکسینه‌نشده همچنان افزایش می‌یابد.



دلیا میل: دادگاه، قاضی پرونده طلاق آنجلینا جولی و برد پیت را فاقد صلاحیت دانست. از زمان درخواست طلاق جولی در سال ۲۰۱۶، پرونده طلاق آنها در دعوای حقوقی بر سر حضانت فرزندان‌شان به نتیجه‌ای نرسیده است. دادگاهی در کالیفرنیا به برکناری این قاضی از پرونده رای داد.



بی‌بی‌سی: قیس سعید، رئیس‌جمهوری تونس، نخست‌وزیر این کشور را برکنار و پارلمان را منحل کرده است. این اقدام در واکنش به تظاهرات گسترده در اعتراض به عملکرد دولت تونس در برابر همه‌گیری کووید-۱۹ صورت گرفته است. هزاران تظاهرکننده خمکین یکشنبه در خیابان‌ها با سردادن شعارهایی علیه حزب حاکم با پلیس درگیر شده بودند.



فرارو: سوزانا اوهلن، مجری برنامه صبح بخیر آلمان پس از منتشرشدن ویدئویی از او که در حال مالیدن گل به لباس‌هایش پیش از رفتن روی آنتن زنده و گزارش سیل اخیر این کشور بود، مجبور به عذرخواهی شد. شبکه آر‌تی‌ا ال هم گفته است این مجری به علت نقض قوانین این شبکه موقتاً از کار معلق شده است.



روسالیوم: علی کریم، پسر فاطمه البهدالی، فعال حقوق بشر عراقی به مدت ۲۴ ساعت روده و بعداً در حالی که آثار گلوله روی جسدش بود، پیدا شد. در می ۲۰۱۹ نیز یک پسر دیگر البهدالی جان خود را از دست داد که در گزارش‌های رسمی علت فوت وی «خودکشی» عنوان شد اما تردیدهایی در این باره وجود دارد.



دویجه‌وله: سه‌شنبه آینده دادگاه بررسی املاک و دارایی‌های کاردینال آنجلو بیچو متهم به اختلاس و سوءاستفاده از اموال واتیکان آغاز می‌شود. ترازنامه سالانه تازه منتشرشده نشان می‌دهد که واتیکان چهارهزار و ۵۱ ملک در ایتالیا و هزار و ۱۲۰ ملک در لندن، پاریس، ژنو و لوژان دارد که ارزش آنها بیش از ۵۰ میلیون یورو تخمین زده شده است.



سی‌ان‌ان: آنتونی فائوچی مدیر مؤسسه ملی بیماری‌های عفونی و آلرژی در آمریکا می‌گوید ما درباره بیماری کووید-۱۹ در مسیر اشتباه حرکت می‌کنیم. مشاور جو بایدن معتقد است ایالات متحده «در مسیر اشتباه» پیش می‌رود؛ زیرا تعداد موارد کووید-۱۹ به‌ویژه در میان آمریکایی‌های واکسینه‌نشده همچنان افزایش می‌یابد.